

Andishe-e-Taqrib.38 Vo1.14, No.3, Autumn 2018, P. 167-183	اندیشه تقریب. ۳۸ سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، پیاپی ۳۸ ص ۱۶۷-۱۸۳
---	---

## اصول ثابت و متغیر رفتار نظام سلطه در قبال مسئله فلسطین

مهدی عزیزی \*

### چکیده

نظام سلطه که درصدد استیلا بر جهان به سرکردگی آمریکا است، ویژگی‌هایی دارد که با ماهیت این نظام عجین شده است. همین ویژگی‌ها در رفتارهای سیاسی و مواضعش در قبال ملت‌ها تبلور یافته است. در این مقاله، پس از تعریف نظام سلطه و ذکر برخی از شاخصه‌های آن، به بررسی اصول ثابت و متغیر رفتار این نظام در قبال مسئله فلسطین می‌پردازیم و روشن می‌کنیم که این نظام در رفتار خویش با موضوع فلسطین از اصول ثابتی پیروی می‌کند که تمام موضع‌گیری‌ها و ابهامات رفتاری در گذشته و آینده را می‌توان در پرتو آن تفسیر کرد. در اینجا همچنین به برخی از رفتارهای متغیر نظام سلطه که گاه در ظاهر برخلاف اهداف استکبار و به نفع فلسطین نمود پیدا می‌کند، می‌پردازیم و رابطه آن با اصول ثابت رفتاری را روشن می‌کنیم.

واژگان کلیدی: اصول ثابت و متغیر، نظام سلطه، فلسطین، اسرائیل، ایالات متحده آمریکا.

---

\* . کارشناس ارشد فلسفه و کلام: howalaziz@gmail.com

## مقدمه

نظام سلطه به سرکردگی ایالات متحده آمریکا سال‌هاست که درصدد گسترش سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خویش در سراسر دنیاست و در این بین، منطقه غرب آسیا به عنوان غنی‌ترین بخش آسیا از نظر ذخایر و منابع، برای چنین نظامی حائز اهمیت فراوان است. شناخت شاخصه‌های نظام سلطه برای فهم تاکتیک‌های مختلف استکبار - که به حسب مقاطع و موقعیت‌های زمانی و مکانی، در هر منطقه برای سلطه بیشتر بر آن اعمال می‌کند - بسیار سودمند است.

بررسی مسئله فلسطین و رابطه آن با نظام سلطه به انتزاع اصول ثابت و متغیر رفتاری این نظام در مواجهه با قضیه فلسطین نیاز دارد؛ اصولی که در پرتو تبیین آن بسیاری از رفتارهای گذشته و آینده نظام سلطه تفسیری روشن خواهد داشت؛ چه اینکه حرکت‌های احتمالی و راهبردهای این نظام در قبال مسئله فلسطین در آینده نیز قابل پیش‌بینی خواهد بود.

در این نوشتار در مقام پاسخ به این پرسش هستیم که اصول ثابت و متغیر رفتاری نظام سلطه در قبال مسئله فلسطین چیست. در این مقاله ضمن اشاره به برخی از شاخصه‌های نظام سلطه، به برخی از اصول ثابت و متغیر رفتاری این نظام در مواجهه با مسئله فلسطین و دولت اسرائیل می‌پردازیم و به اجمال برخی از ابعاد آن را بررسی می‌کنیم.

### ۱. مفهوم شناسی

سلطه در لغت به معنای قدرت از روی قهر (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۱) و در اصطلاح به معنای تسلط سیاسی یا اقتصادی کشوری بر کشور دیگر است (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲). در حقوق بین‌الملل اصل بر تساوی حاکمیت دولت‌ها و مداخله نکردن کشورها در امور داخلی یکدیگر است<sup>۱</sup>، اما

۱. ماده سوم اعلامیه ۱۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ سازمان ملل متحد.

واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی از وجود قدرت‌های امپریالیستی و سلطه‌های گوناگون حکایت می‌کند که به صورت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ظاهر می‌شوند (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰۱).

نظام سلطه به سیستم و مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آن‌ها را نادیده می‌گیرند و منافع خود را ترجیح می‌دهند (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳). از نگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نظام سلطه یعنی نظامی که برپایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰) و اینکه چند قدرت دست‌یافته به توانایی مادی و سلاح بخوانند بر دنیا حکومت کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸).

حلقه اول نظام سلطه و مصداق بارز و اصلی آن در زمان فعلی، ایالات متحده آمریکا و حلقه دوم، دولت‌های بزرگ عضو اتحادیه اروپا، به‌ویژه انگلیس و فرانسه که قدرت‌های صاحب حق و تو هستند، و تا حدودی دولت آلمان است و در حلقه بعدی، دولت‌های توسعه‌یافته و غیرغربی همچون روسیه و ژاپن و چین قرار دارند و حلقه آخر نظام سلطه دولت‌هایی هستند که بقای خود را در پشتیبانی از نظام سلطه می‌بینند و به عنوان مهره‌های نظام سلطه عمل می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳).

از آنجا که مصداق بارز و اصلی نظام سلطه، ایالات متحده آمریکا است (صفتاج، ۱۳۹۴، ص ۵۶) و رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران نیز به این مسئله در فرمایش‌های خویش اشاره فرموده‌اند (بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸)، در این مقاله به بررسی اصول ثابت و متغیر رفتار ایالات متحده آمریکا در قبال مسئله فلسطین می‌پردازیم.

مقصود از اصول ثابت، اصولی است که با عوض شدن دولت مردان و رؤسای جمهور ایالات متحده عوض نشده و نمی‌شود و رفتار سیاسی همه دولت‌مردان آمریکا و موضع‌گیری‌هایشان همگی بر مبنای این اصول بوده و هست. مقصود از اصول متغیر، موضعی است که رؤسای جمهور آمریکا در مقاطع مختلف داشته‌اند و احیاناً این مواضع با موضع دولت‌مردان دیگر آمریکا در مقاطع دیگر متفاوت است و حتی گاهی به‌ظاهر به نفع برخی از ملت‌ها بوده است؛ ولی تحلیل و بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که همه این مواضع متغیر، از یک نخ تسبیح ثابت پیروی می‌کنند و در تمام این مواضع‌گیری‌های به‌ظاهر غیر ثابت، تبعیت از اصول رفتاری ثابت محفوظ است.

بنابراین آنچه گفته شد، نظام سلطه دارای شاخصه‌هایی، از جمله برتری‌طلبی و سلطه‌گری یا هژمونی (ر.ک: علی‌بابایی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۹؛ نوروزی خیابانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸)، منفعت‌طلبی، ظلم و جنگ‌افروزی و کشتار ملت‌ها، تحریف حقایق و مسحور کردن مردم دنیا، پایبند نبودن به هیچ‌یک از اصول انسانی و پیمان‌شکنی است (صفت‌تاج، ۱۳۹۴، ص ۲۴-۴۴)؛ شاخصه‌هایی که تمام اصول رفتاری را در پرتو آن‌ها باید تفسیر کرد و تمام رفتارهای نظام سلطه از همین ویژگی‌ها نشئت می‌گیرد.

## ۲. اصول ثابت رفتار نظام سلطه در قبال فلسطین

از ابتدای تأسیس رژیم غاصب اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی، ایالات متحده آمریکا رفتاری ثابت و مشخص درباره این کشور جعلی و ملت مظلوم فلسطین داشته است؛ رفتاری که رصد آن در طول بیش از نیم قرن اشغال فلسطین، می‌تواند کاشف از اصول ثابتی باشد که همواره ایالات متحده آمریکا از آن تبعیت کرده و می‌کند. هدف کلان و استراتژیک نظام سلطه از تمام رفتارهای سیاسی و موضع‌گیری‌هایش در قبال مسئله فلسطین، در جهت شاخصه‌های سلطه‌جویی و

منفعت‌طلبی در منطقه غرب آسیا و حفظ موجودیت اسرائیل بوده و هست (شیرودی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷-۱۴۴)؛ سیاستی که از ابتدای اعلام تشکیل دولت اسرائیل دنبال می‌شده است و هم‌اکنون نیز دنبال می‌گردد.

برخی از تحلیل‌گران معتقدند که حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه در وضعیت کنونی، بیشتر از آنکه نفعی برای آمریکا داشته باشد، متأثر از لابی‌های صهیونیسم است (ر.ک: درخشه، ۱۳۸۸) و براساس اسناد موجود نمی‌توان منکر تأثیرات بسزای لابی‌های صهیونیسم در سیاست‌گذاری‌های دولت مردان آمریکا شد (صفحات، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۶۹۷-۶۹۹)؛ لکن تأمل بیشتر در اوضاع منطقه نشان می‌دهد که آمریکا به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیای جهان اسلام احتیاج دارد تا بتواند ملت‌های اسلامی را تحت فشار قرار دهد و مانع از رشد حرکت‌های اسلامی در منطقه گردد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین قائم‌مقام حضور استکبار و نظام سلطه است تا منافع استکبار را در این منطقه تأمین کند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین، ۱۳۷۰/۷/۲۷)؛ بنابراین، هدف نظام سلطه از حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه به همان شاخصه‌های از پیش ذکرشده، یعنی منفعت‌طلبی و سلطه‌جویی، باز می‌گردد. برای تأمین این هدف، برخی از مهم‌ترین اصول ثابت رفتاری نظام سلطه را می‌توان به صورت ذیل برشمرد:

#### الف) تنظیم مناسبات بین‌المللی بر مدار حفظ موجودیت اسرائیل

ترومن، رئیس‌جمهور وقت دولت آمریکا، بلافاصله پس از اعلام تأسیس رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۴ می ۱۹۴۸ میلادی، این رژیم را به رسمیت شناخت (دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۵). این در حالی بود که پیش از آن تلاش‌های زیادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تصویب قطعنامه ۱۸۱ موسوم به قطعنامه

تقسیم در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ میلادی که مبنای تشکیل دولت یهود در منطقه فلسطین می‌شد، از سوی ایالات متحده صورت گرفته بود (کتان، ۱۳۵۴، ص ۶۹-۷۶؛ سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹). در مراحل بعدی نیز استفاده از حق وتو در بسیاری از قطعنامه‌هایی که علیه اسرائیل در سازمان ملل صادر می‌شد (سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰-۱۷۱) و حمایت‌های آشکار دیگر ایالات متحده آمریکا در مجامع بین‌المللی از رژیم اشغال‌گر اسرائیل نشان آشکاری از تلاش نظام سلطه برای تنظیم مناسبات بین‌المللی بر مدار حفظ و حمایت بی‌دریغ از دولت غاصب اسرائیل بوده و هست.

از حدود ۱۷۰ مورد مخالفت و استفاده از حق وتو توسط آمریکا در سازمان ملل، حدود ۱۰۸ مورد به نفع اسرائیل و در جهت جلوگیری از تصویب قطعنامه‌هایی علیه این کشور بوده است (ر.ک: عطایی و عالی، ۱۳۹۱). در موارد دیگر نیز آمریکا از طریق تهدید به استفاده از حق وتو یا خروج از سازمان ملل یا قطع کمک‌های مالی به این سازمان، مانع از تصویب قطعنامه‌های برخلاف مصالح اسرائیل شده است (همان، ص ۲۵۶).

در سال ۲۰۰۴ میلادی ایالات متحده حق اسرائیل را در داشتن مرزهای قابل دفاع براساس مرزهای سال ۱۹۶۷ به رسمیت شناخت و این به معنای رسمیت دادن به اشغال‌گری‌های اسرائیل و جنایات او است درباره آنچه تا سال ۱۹۶۷ تصاحب کرده بود؛ زیرا تا قبل از سال ۱۹۶۷ و جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل، رژیم غاصب صهیونیسم ۸۰ درصد از خاک فلسطین را به اشغال خود درآورده بود و بعد از جنگ ۱۹۶۷، تقریباً تمام خاک فلسطین به اشغال اسرائیل درآمد (سروش نژاد، ۱۳۹۳، صص ۹ و ۱۱).

در مقاطعی، کشورهای ایالات متحده آمریکا و دولت بریتانیا و فرانسه بر سر موضوع مورد مذاکره با کشورها، به رسمیت‌شناختن اسرائیل را پیش‌شرط مذاکره

اعلام کرده‌اند (ر.ک: خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷/۴/۱۲) که این خود نشان از تنظیم مناسبات بر مدار منافع اسرائیل است.

ایجاد مانع برای جلوگیری از به‌ثمر رسیدن تلاش‌های کشورهای عربی برای اینکه فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل را در دستور کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهند، از دیگر اقدامات حمایتی آمریکا از اسرائیل در سطح بین‌الملل است (درخشه و کوهکن، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

همه این شواهد حاکی از روند تنظیم مناسبات بین‌المللی براساس حفظ موجودیت اسرائیل توسط نظام سلطه است که از ابتدای تشکیل دولت یهود تاکنون به عنوان سیاستی ثابت از سوی تمام دولت‌مردان آمریکا دنبال شده است و می‌توان از آن به عنوان اصل ثابت رفتاری نظام سلطه در قبال مسئله فلسطین یاد کرد؛ اصلی که تمام موضع‌گیری‌های مقطعی ایالات متحده آمریکا از آن تخطی نکرده و نمی‌کند.

### ب) حمایت‌های مالی و نظامی برای حفظ امنیت اسرائیل

کمک‌های مالی و نظامی ایالات متحده آمریکا به دولت اسرائیل از ابتدای تأسیس آن تاکنون انکارناپذیر است. از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۷۳، حمایت آمریکا از اسرائیل در سطحی بوده است که با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نیست. این حمایت شامل بیشترین میزان کمک سالانه مستقیم اقتصادی و نظامی از سال ۱۹۷۶ به بعد است (عطایی و عالی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۹). اسرائیل همچنین دریافت‌کننده بیشترین مجموع کمک از ایالت متحده آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی بوده است (مک آرثور، ۱۳۸۶، ص ۵۷). مجموع کمک مستقیم آمریکا به اسرائیل تا سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۱۴۰ میلیارد دلار آمریکا بوده است (درخشه و کوهکن، ۱۳۸۸، ص ۹۳).

اسرائیل در هر سال بالغ بر ۳ میلیارد دلار کمک مستقیم دریافت می‌کند (مک آرثور، ۱۳۸۶، ص ۵۷) که معادل یک‌پنجم کل بودجه کمک‌های خارجی آمریکا است. این درحالی است که برخی از محققان معتقدند مهارکردن جنایات رژیم صهیونیستی علیه بشر، با اعمال محدودیت‌های اقتصادی امکان‌پذیر است؛ ولی با این وصف، دولت آمریکا سالانه این حجم عظیم از کمک‌ها را به رژیم غاصب اسرائیل می‌کند (فرانسیس، ۱۳۹۲، ص ۴۹). در این اواخر هم ایالات متحده آمریکا با رژیم صهیونیستی یک یادداشت تفاهم ده‌ساله امضا کردند که براساس آن تا سال ۲۰۲۸ کمک نظامی ۳۸ میلیارد دلاری برای این رژیم در نظر گرفته شده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۱۱/۲۴).

تأمل در رفتار نظام سلطه در حمایت‌های مالی و نظامی از اسرائیل از ابتدا تاکنون، این جزم را به وجود می‌آورد که این رفتار اصلی ثابت در رفتار نظام سلطه در قبال مسئله فلسطین است و تا زمانی که منافع نظام سلطه در منطقه بر حفظ کیان اسرائیل استوار باشد، حمایت‌های بی‌دریغ مالی و نظامی از رژیم غاصب نیز همچنان ادامه دارد.

### ج) حمایت گسترده رسانه‌ای از رژیم اسرائیل

رسانه به عنوان مهم‌ترین ابزار نظام برای جهت‌دهی به افکار عمومی و ذهنیت‌سازی برای مردم جهان نقش بسزایی دارد. رسانه‌ها قادرند با قدرت‌نمایی خود ذهن مخاطبان را بر ضد آنچه در عالم خارج وجود دارد، به سمتی دیگر سوق دهند و از آن بهره‌برداری کنند.

یکی از اقدامات نظام سلطه در این جهت تلاش برای مظلوم‌نشان‌دادن یهودیان در دنیا با جعل افسانه هولوکاست (ویر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ دیوک، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶-۳۱۸) و رسانه‌ای‌کردن آن و مستندسازی این واقعه است؛<sup>۱</sup> تا

۱. برای نمونه، نگاه کنید به فیلم «فهرست شیندلر» ساخت کارگردان معروف «اسپیلبرگ».



جایی که به تعبیر فردریک توبن، تاریخ‌دان آلمانی‌الاصول مقیم استرالیا در اروپا، می‌توان به حضرت مسیح (علیه السلام) و مریم مقدس افترا بست، اما نمی‌توان از یهودیان و هولوکاست انتقاد کرد (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۷۷).

جریان فرهنگی نظام سلطه امروزه با شیپور تبلیغاتی آمریکا - یعنی هالیوود - و مجموعه فیلم‌های موسوم به آخرالزمانی مباحثی درباره ظهور و فرجام زندگی این زمینی را با تفسیر خود و به نفع موجودیت اسرائیل به اذهان مردم دنیا تزریق می‌کند. آن‌ها معتقدند نیروهای شر و بی‌ایمان، یعنی اعراب و مسلمانان، علیه صهیونیسم متحد خواهند شد و در آخرالزمان در منطقه‌ای به نام آرماگدون در کارزار نهایی میان خیر و شر با هم خواهند جنگید (سیفی، ۱۳۹۱، ص ۷). طبیعی است که در این بین حفظ و تقویت دولتی یهودی در منطقه برای آمادگی با این جنگ بزرگ جهانی توجیه‌پذیر خواهد بود.

بزرگ‌ترین و معتبرترین شرکت‌های تشکیل‌دهنده هالیوود، مانند «فوکس» و «وارنر» و «پارامونت»، در مالکیت یهودیان آمریکا قرار دارد و همواره مورد تأیید سرمداران نظام سلطه در آمریکا هستند (طبیعت‌شناس، ۱۳۸۳، ص ۶۱). تشکیل «کمیته عالی سینما» با حضور رهبران صهیونیسم و حمایت ایالات متحده آمریکا به منظور تهیه فیلم‌هایی برای خدمت به آرمان یهود و رژیم صهیونیستی، از جمله اقدامات نظام سلطه برای بسط فرهنگ شیطان‌ی خویش است. این کمیته موظف شد تمام فیلم‌های مطرح عربی و اسلامی و فیلم‌های سایر نقاط جهان را که درباره مسائلی چون اشغال جنوب لبنان و فلسطین و در حمایت از اعراب ساخته شده بود، به هر وسیله ممکن از جشنواره‌های فیلم در سراسر جهان دور کند (ر.ک: همان، ص ۶۸-۷۱).

نظام سلطه از نشریات نیز در مسیر حمایت از اسرائیل بهره‌های فراوان برده و می‌برد. این در حالی است که عمده نشریات معروف آمریکایی، یا متعلق به

یهودیان است یا تحت نفوذ و سیطره آنان قرار دارد؛ برای نمونه تملک روزنامه «نیویورک تایمز»، یکی از مشهورترین روزنامه‌های جهان، در سال ۱۸۹۶ در دست «آرتور اوش»، یهودی و شریک یهودی‌الصلش «جولیوس آدلر»، قرار گرفت که از روزهای نخست تأسیس خود دیدگاه صهیونیست‌ها را درباره فلسطین ترویج می‌کرد (ابوغنیمه، ۱۳۷۲، ص ۱۲۳).

روزنامه «واشینگتن پست» نیز که از پرتیراژترین روزنامه‌های آمریکا به شمار می‌رود، موقعیتی مشابه دارد و در سال ۱۹۳۳ تملک آن به دست «یوجین مایر» یهودی افتاد (دیوک، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳) و از آن تاریخ تا سال ۲۰۱۳ در دست وارثان «مایر» بوده و در طول این سال‌ها پیوسته در خدمت اهداف صهیونیسم بوده است. دو مجله «تایم» و «نیویورک» نیز که از پرتیراژترین و مؤثرترین مجلات نه‌تنها در داخل آمریکا، بلکه در بسیاری از نقاط جهان‌اند، تحت مدیریت یهودیان آمریکا اداره می‌شوند (ابوغنیمه، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴-۱۲۵) و دو مبلغ مهم برای صهیونیسم و در خدمت اهداف غیرانسانی رژیم اسرائیل به شمار می‌روند.

تمام نمونه‌های ذکر شده فقط گوشه‌ای از حمایت گسترده رسانه‌ای نظام سلطه از اسرائیل است که به عنوان اصل ثابت رفتاری، سال‌هاست دنبال می‌شود و از آن تخطی صورت نمی‌گیرد.

#### د) تضعیف آرمان فلسطین در میان جوامع، به‌ویژه جوامع مسلمین

آزادسازی قدس شریف و سایر مناطق اشغالی فلسطین از چنگال صهیونیسم آرمان ملت فلسطین و ملت‌های حامی آن است. ملت فلسطین بیش از نیم قرن است که برای دستیابی به این آرمان تلاش می‌کند و این مشعل فروزان نه‌تنها در بین مردم فلسطین رو به خاموشی نگراییده است، بلکه روزه‌روز فروزنده‌تر می‌شود.

مقاومت مردمی ملت فلسطین که با عنوان انتفاضه مسجدالاقصی، فصل دیگری را در کتاب تاریخ فلسطین ورق زده است، شاهد زنده‌ای بر این مدعاست. در این

بین، نظام سلطه همواره با تمام قوا درصدد تضعیف این آرمان در سطح بین‌الملل، به‌ویژه جوامع مسلمین بوده و هست و این رفتار به منزله اصل ثابت رفتاری برای حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه از سوی نظام سلطه صادر می‌شود.

این تلاش گاه در قالب ساخت فیلم‌های جذاب و فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای نمود کرده و گاه در شکل تلاش‌های دیپلماتیک ظهور و بروز داشته است. مروری بر سینمای آمریکا و غرب که ابزاری مهم در دست سردمداران نظام سلطه است، این باور را به‌خوبی تأیید می‌کند که در این مقاله به گوشه‌هایی از آن در ذیل عنوان حمایت رسانه‌ای نظام سلطه از اسرائیل اشاره کردیم.

یکی از تلاش‌های همسو با این اصل ثابت رفتاری، تلاش دیپلماتیک برای تسهیل در روند مذاکرات صلح با اسرائیل است (صفحات، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۶۹۴-۶۹۵)؛ زیرا مذاکرات صلح به معنای پذیرش و به‌رسمیت‌شناختن دولت اسرائیل و به‌نوعی زیرپا گذاشتن آرمان آزادی فلسطین است. از سویی دیگر، طرح جدید آمریکا موسوم به معامله قرن نیز به‌نوعی خیانت به آرمان فلسطین به شمار می‌رود؛ زیرا با این طرح سازش بین اعراب و اسرائیل شکل رسمی و علنی به خود خواهد گرفت و کشورهای عربی مشروعیت رژیم غاصب اسرائیل را رسماً اذعان خواهند کرد و این یعنی زنده‌به‌گور کردن آرمان فلسطین (ر.ک: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۷/۴/۲۰).

### ۳. اصول متغیر رفتار نظام سلطه در قبال مسئله فلسطین

فارغ از اصول ثابت ذکرشده، موضعی در مناسبت‌های مختلف از سوی ایالات متحده آمریکا اتخاذ شده که در صورت بی‌توجهی به اصول ثابت رفتاری، ممکن است رفتار نظام سلطه به گونه‌ای توجیه شود که گویی در این مقطع، متمایل به حمایت از ملت فلسطین شده است؛ لکن همان‌گونه که ذکر شد، اصول ثابت به منزله نخ تسبیحی است که باید رفتار متغیر نظام سلطه را در پرتو آن اصول ثابت تفسیر کرد.

### الف) مخالفت نکردن با برخی از قطعنامه‌های صادرشده علیه اسرائیل

در مقطع زمانی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۳، شورای امنیت سازمان ملل ۶۳ قطعنامه درباره فلسطین صادر کرده که آمریکا فقط دو مورد از آن را وتو کرده است (سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸)؛ در حالی که در سال‌های امنیت در موضوع فلسطین را از کار انداخت و بیش از ۸۲ درصد از وتوهای آمریکا در این دوره بر قضیه فلسطین بوده است (همان، ص ۱۵۵).

آرای مثبت یا ممتنع آمریکا به قطعنامه‌های سازمان ملل در محکومیت حمله اسرائیل به روستای قیبیه در سال ۱۹۵۳، اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین‌های اشغالی در ۱۹۹۰، و بمباران مراکز سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس در سال ۱۹۸۵ (عطایی و عالی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۶)، نمونه‌هایی از موضع متفاوت آمریکا با مواضع همیشگی خود است.

این رفتار متغیر ایالات متحده ممکن است در نگاه سطحی این تصور را در اذهان شکل دهد که نظام سلطه در مقطعی از تلاش‌های سلطه‌جویانه دست برداشته است، لکن شواهد و قرائنی، از قبیل تلاش‌های آمریکا به عنوان یکی از علل اساسی تصویب قطعنامه تقسیم در سال ۱۹۴۷ علیه ملت فلسطین (دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۵-۶) و توجه به اصول ثابت ذکرشده نشان می‌دهد که این رفتار، مقطعی و به سبب مصالحی بوده است و به هیچ‌وجه کاشف از نقض آن اصول ثابت نیست.

### ب) حمایت از بین‌المللی بودن شهر قدس و انتقال ندادن سفارتخانه به

#### این شهر

به‌رغم اینکه سازمان ملل متحد طبق قطعنامه ۱۸۱ این شهر را منطقه بین‌المللی اعلام کرده بود، اسرائیل بر اشغال و یکپارچه‌سازی شهر قدس تأکید می‌کرد و پارلمان اسرائیل موسوم به کنست در ۲۳ ژانویه ۱۹۵۰ قدس را پایتخت اسرائیل

معرفی کرد (دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۵)؛ اما مواضع رؤسای جمهور ایالات متحده در این موضوع متفاوت بود. برخی همچون «ترومن» با مخالفت با قطعنامه ۳۰۳ سازمان ملل که بر بین‌المللی بودن دائمی قدس تأکید داشت، یکپارچه بودن قدس را بر بین‌المللی بودن آن ترجیح دادند و برخی همچون «آیزن هاور»، با درخواست اسرائیل مبنی بر انتقال سفارت آمریکا به شهر قدس در ۱۰ جولای ۱۹۵۳ مخالفت کردند (همان، ص ۶).

«جان فوستر دالاس»، وزیر خارجه آمریکا در زمان آیزن هاور در پاسخ به درخواست اسرائیل چنین نوشت: «ایالات متحده آمریکا طرحی برای انتقال سفارتش از تل‌آویو به بیت‌المقدس ندارد». درمقابل، «جانسون»، سی‌وششمین رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که «هیچ‌کس نمی‌خواهد بار دیگر شهر قدس را تقسیم‌شده ببیند». از سوی دیگر، «ویلیام راجرز»، وزیر امور خارجه دوران ریاست‌جمهوری «نیکسون»، خواستار عدم شناسایی قدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال ندادن سفارت آمریکا به این شهر شد (همان، ص ۷-۱۲).

در دوره‌های بعدی نیز مواضع آمریکا در قبال قدس با فراز و فرود همراه بود؛ اما این موضع‌گیری‌های به‌ظاهر متناقض، هیچ‌گاه تغییری در اصول ثابت رفتار ایالات متحده در قبال مسئله فلسطین ایجاد نکرد.

### ج) تلاش برای میانجی‌گری میان رژیم اسرائیل و فلسطین با پیشنهاد های

#### صلح

در طول بیش از نیم قرن از اشغال فلسطین تاکنون، مدیریت بحران منطقه غرب آسیا و فلسطین از اهمیت اساسی در سیاست خارجی رهبران آمریکا برخوردار بوده است و تمام رؤسای ایالات متحده آمریکا به‌نوعی به دنبال راه‌حلی برای پایان منازعه میان اعراب و اسرائیل بوده‌اند و در این بین، راه‌حل‌ها و اقداماتی نیز داشته‌اند.

برای نمونه در تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۵ دولت آمریکا «ریچارد مورفی» فرستاده‌ی ویژه‌ی خود را برای یافتن راهی برای پیشرفت روند صلح خاورمیانه و ارزیابی دورنمای برگزاری مذاکرات صلح بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، به این منطقه فرستاد. این سفر دست‌آوردی نداشت و در پی آن، آمریکا هیئت دیگری را به ریاست شولتز به منطقه خاورمیانه فرستاد (صفحات ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۶-۷). در این فاصله اقدامات نه‌چندان موفقی صورت گرفت که سرانجام واشنگتن موفق شد اسرائیل، مصر، سوریه، اردن، لبنان و فلسطینی‌ها را به شرکت در کنفرانس صلح مادرید در اکتبر ۱۹۹۱ متقاعد کند و به موفقیت نسبی دست یابد (قربان‌پور، ۱۳۸۶، ص ۴۸).

«جرج بوش» نیز در اواخر دوران ریاست‌جمهوری‌اش به فکر موضوع فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی افتاد و بسیاری از رهبران عرب و رهبران مناطق خودگردان فلسطینی را به کنفرانس آنابولیس در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ فراخواند. این کنفرانس نخستین مذاکره همه‌جانبه و جدی از سال ۲۰۰۰ بود (رک: دهقانی، ۱۳۸۸، ۲۴-۲۵).

این مواضع آمریکا در مقاطع مختلف ممکن است به‌ظاهر به نفع فلسطین و در تضاد با اصول ثابت نظام سلطه نمود پیدا کند، ولی در واقع در طول همان اهداف و اصول است. آمریکا برای کنترل اعراب و منطقه غرب آسیا باید گاهی نقش میانجی را بازی کند تا این بازی را به نفع خویش رقم بزند. روی دیگر سکه مذاکرات صلح، به‌رسمیت شناختن دولت غاصب اسرائیل و تثبیت موجودیت اسرائیل در منطقه است که در جهت اهداف اصلی نظام سلطه برای تسلط و کنترل منطقه غرب آسیاست.

## نتیجه‌گیری

نظام سلطه به سرکردگی ایالات متحده آمریکا نظامی است که در صدد استیلا بر جهان و استفاده ابزاری از ملت‌ها برای تأمین و گسترش منافع خویش است. سلطه‌جویی، منفعت‌طلبی، ظلم و جنگ‌طلبی و بدعهدی برخی از مشخصات بارز این نظام است.

ایالات متحده به عنوان سردمدار نظام سلطه در دنیای کنونی، در قبال مسئله فلسطین و رژیم اشغال‌گر قدس، از اصول رفتاری ثابت و متغیری تبعیت می‌کند که همه این اصول برگرفته از شاخصه‌های اصلی نظام سلطه است؛ شاخصه‌هایی که ماهیت اصلی نظام سلطه را تشکیل می‌دهد و به منزله فصل جدایی‌ناپذیر آن محسوب می‌شود؛ بنابراین، اصول رفتاری ثابت نظام سلطه در قبال فلسطین هم با ماهیت این نظام عجین شده و تمام این اصول در جهت هدف تأمین موجودیت اسرائیل هستند.

رفتارهای مقطعی و متغیر نظام سلطه نیز که گاهی به حسب ظاهر به نفع فلسطین بوده و به نوعی به شکل تخطی از اصول این نظام نمود پیدا می‌کند، در نگاه کسانی که با ماهیت استکباری این نظام و اصول رفتاری آن آشنا هستند، تفسیر دیگری دارد و همه این رفتارها در جهت تحقق اهداف روشن استکبار توجیه‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین، فهم و تحلیل این اصول، در تصمیم‌گیری دولت مردان کشورهای منطقه و اخذ موضع در قبال رفتارهای نظام سلطه، تأثیر بسزایی داشته است و پیش‌بینی و تحلیل رفتارهای فعلی و آینده‌ی این نظام استکباری، سودمند خواهد بود.

## فهرست منابع

۱. ابوغنیمه، زیاد (۱۳۷۲ش)، «رسانه‌های جهان در پوشش مرئی و نامرئی صهیونیسم»، ترجمه فتاح احمدی، وقف میراث جاویدان.
۲. پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
۳. حسینی، مجید (۱۳۸۵ش)، هولوکاست حریم ممنوعه، قم، ابتکار دانش، چاپ اول.
۴. جعفری، اصغر (۱۳۹۶ش)، «راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۵۰.
۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، <http://www.irna.ir>.
۶. خبرگزاری مهر، <https://mehrnews.com>.
۷. درخشه، جلال و علیرضا کوهکن (۱۳۸۸)، «نگاهی نو به دلایل حمایت آمریکا از اسرائیل»، خط اول، س ۳، ش ۱۰.
۸. دهقانی، حمیدرضا (۱۳۸۸ش)، «سیاست رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا در مورد قدس»، مطالعات منطقه‌ای.
۹. دیوک، دیوید (۱۳۸۴ش)، بیداری من، ترجمه مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، قم، تسنیم اندیشه، چاپ اول.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، چاپ دوم.
۱۱. سروش‌نژاد، احمد (۱۳۹۳ش)، دیپلماسی اشغال، تهران، سفیر اردهال، چاپ اول.
۱۲. سعیدی‌نژاد، حمیدرضا (۱۳۸۲ش)؛ «نگاه فلسطین، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا»، مطالعات منطقه‌ای، ش ۱۷.
۱۳. سیفی، محمدیاسین (۱۳۹۱)، «سینمای آخرالزمان هالیوود و مهدویت»، کنگره ملی پژوهش در مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، در: <http://aac.iaukhsh.ac.ir/Images/ConferenceArticles/A1391-5581-MNC.pdf>.



۱۴. صفاتاج، مجید (۱۳۹۱ش)، دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل، ج ۵، تهران، آرون، چاپ دوم.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ش)؛ نظام سلطه، تهران، آفاق روشن بیداری، چاپ اول.
۱۶. طبیعت شناس، سعید (۱۳۸۳)، صهیونیسم و سینما، تهران، قبله اول، چاپ اول.
۱۷. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳)، فرهنگ روابط بین الملل، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
۱۸. فرانسیس آتونی بویل (۱۳۹۲ش)، «جنایت علیه بشریت در فلسطین با حمایت آمریکا»، ترجمه هادی هرنندی، سیاحت غرب، س ۱۰، ش ۱۱.
۱۹. قربان پور، علیرضا (۱۳۸۶ش)، «سیاست آمریکا در قبال فلسطین و امنیت جمهوری اسلامی»، مطالعات راهبردی جهان اسلام.
۲۰. کتان، هنری (۱۳۵۴ش)، فلسطین و حقوق بین الملل، ترجمه غلامرضا فدایی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۲۱. نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۴)، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۲۲. وبر، مارک (۱۳۸۴ش)، «نگاهی به لابی قدرتمند یهودیان»، سیاحت غرب.
۲۳. هاشمی، سید محمد (۱۳۷۴ش)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۵ش)، «نقش آمریکا و اروپا در حیات سیاسی اسرائیل»، مریبان، ش ۲۰.
۲۵. مک آرثور، شیرل (۱۳۸۶)، «کمک های مستقیم آمریکا به اسرائیل»، سیاحت غرب، ش ۶۸.
۲۶. عطایی، فرهاد و زهرا عالی (۱۳۹۱ش)، «رابطه ویژه آمریکا و اسرائیل»، سیاست، ش ۲۱.